

گزارش

مجمع هم طرح تشدید مجازات جاسوسی را به مجلس بازگرداند

مجلس طرح جاسوسی را اصلاح می‌کند

شرق: در میانه شعله‌های جنگ و حمله نظامی اسرائیل به ایران، مجلس شورای اسلامی طرحی را با عنوان برطمطراق «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم» با شتاب تصویب کرد؛ طرحی که در صورت قانون‌شدن، سایه سنگین امنیت را بر فضای سیاسی و اجتماعی کشور گسترش خواهد داد. اما نهادهای بالادستی از جمله شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با نگاهی بر قانون اساسی، شرع و اصول بنیادین حقوق کیفری، مانعی جدی بر سر اجرای بی‌درنگ آن ایجاد کردند. بعد از شورای نگهبان این بار، مجمع تشخیص با وجود موافقت با کلیات طرح، ایراداتی به آن وارد دانسته که آن را دوباره روانه صحن مجلس کرده است. به نظر می‌رسد طراحان در مجلس، می‌کوشند «بازدارندگی امنیتی» را بر مبنای مفاهیم موسعی چون «افساد فی الارض» و «همکاری با دشمن» بنا کنند، بی‌آنکه از تبعات حقوقی، قضائی و اجتماعی چنین توسعه‌ای نگران باشند. ایرادات شورای نگهبان دقیق و قابل تأمل است. از مفاهیم شناور و فاقد تعریف مانند «ایجاد تفرقه» و «خدشه به امنیت ملی»، تا نامشخص‌بودن مرجع تعیین‌کننده «کشورهای متخاصم»، این مصوبه می‌توانست به ابزاری چندپهلوی برای تحدید آزادی‌های مشروع بدل شود. شورای نگهبان حتی نسبت به نحوه تعمیم عنوان سنگین «افساد فی الارض» به کش‌هایی که ممکن است مصادیق واقعی این جرم نباشند، هشدار داد و آن را مغایر شرع دانست.

کلیات پذیرفته، جزئیات مبهم

در همین فضا، مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با زبان دیپلماتیک اما قاطع، اعلام کرد که گرچه با کلیات طرح همراه است، اما نمی‌تواند بر ابهامات آشکاری مانند تعریف ناقص «کشورهای متخاصم» یا مبهم‌بودن شرایط جنگی چشم ببندد. محسن دهنوی، سخنگوی مجمع، صراحتاً اعلام کرد که باید بندهای مبهم با زبان حقوقی دقیق بازنویسی شوند و مجلس موظف به امنیت ملی، تا شفاف‌سازی است. این واکنش نشان می‌دهد که حتی بالاترین نهادهای راهبردی کشور نیز به محاطرات ناشی از تفاسیر گسترده و فاقد مرجع، واقفاند؛ خطری که می‌تواند امنیت حقوقی شهروندان را با تزلزل مواجه کند، آن هم در بستری که پیش از همیشه به عقلانیت قانونی نیاز دارد. دهنوی، سخنگوی شورای نگهبان، درباره بررسی «طرح دوفوریتی تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» در جلسه دیروز مجمع گفت: اعضای هیئت عالی نظارت برخی بندهای این طرح را واجد ابهاماتی دانستند، بنابراین در راستای رفع ابهامات، این طرح به مجلس ارجاع داده شد. دهنوی با تشریح ایرادات مجمع تشخیص به طرح تشدید مجازات جاسوسی برای رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: هیئت عالی نظارت با کلیت این طرح موافق بود اما باید تعریف کشورهای متخاصم به صورت دقیق و شفاف در این طرح ذکر شود که به صورت کلی مطرح شده بود. بنابراین هیئت عالی نظارت برخی بندهای طرح را واجد ابهام دانست که مقرر شد این ابهامات در مجلس رفع شود. او ادامه داد: ابهاماتی نیز درباره تشدید مجازات جاسوسی در دوران جنگ وجود داشت که مقرر شد مجلس رفع ابهام کرده و مجدداً آن را به مجمع ارسال کند.

در همین راستا، ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، در سخنانی با رنگ و بوی احساسی، صیانت از امنیت ملی را خط قرمز توصیف کرد و بر لزوم جبران خون شهدای جنگ اخیر تأکید کرد. این موضع‌گیری‌ها، گرچه در بستر جنگ اخیر قابل درک است، اما نباید بستری برای عبور بی‌محبا از اصول قانون اساسی و حقوق بشر باشد. قانون‌گذاری در شرایط بحرانی همواره خطرناک‌ترین نوع قانون‌گذاری است. وقتی احساسات به جای ملاحظات حقوقی می‌نشینند، در به‌ترین حالت، قانونی خلق می‌شود که محکوم به اصلاح پی‌درپی است و در بدترین حالت، حقوق پایهای شهروندان قربانی تعاریف مبهم و تفاسیر موسع خواهد شد. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس همچنین گفت که مجلس طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری‌کنندگان با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی» را اصلاح خواهد کرد. بازگشت طرح «تشدید مجازات جاسوسی» از سوی شورای نگهبان و مجمع تشخیص، بیش از آنکه نشانه مقاومت در برابر امنیت باشد، گواه یابندی به اصول است؛ بنابراین ضروری است قانونی نوشته شود که باید بازدارنده باشد، اما نه در برابر مردم، بلکه در برابر دشمنان واقعی و تهدیدهای عینی. مجلس اکنون در بزرنگاهی است که می‌تواند نشان دهد قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی، نه تابع موج‌سواری سیاسی، بلکه مبتنی بر خرد، قانون اساسی و تجربه‌های تاریخی در زمینه سوءاستفاده از قوانین مبهم است. اگر این اصلاحات با دقت و از منظر حقوقی صورت پذیرد، شاید بتوان گفت که امنیت و قانون در کنار هم ایستاده‌اند، نه در برابر یکدیگر.

نفوذ داخلی؛ تهدیدی فراتر از تهدیدهای بیرونی

منظره حیدری: چند روز پس از پایان جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم صهیونیستی با ایران که طی آن، مقامات امنیتی، نظامی و شمار زیادی از مردم کشورمان اعم از کودکان و زنان بی‌گناه هدف تروهرای سازمان‌یافته رژیم صهیونیستی قرار گرفتند، اتفاقی بی‌سابقه و خطرناک در فضای سیاسی کشور رخ داد. رضا عاشری، از اعضای شورای شهر رشت به‌طور علنی و با جسارتی بی‌سابقه، از رژیم اسرائیل درخواست ترور رئیس‌جمهور ایران را مطرح کرد. این درخواست در شرایطی که دشمنان خارجی به دنبال ضربه‌زدن به کشور هستند، نه‌تنها نگران‌کننده، بلکه نشانه نفوذ عمیق برخی عناصر داخلی است. این‌گونه رفتارها فراتر از اختلاف نظر یا نقد سیاسی است و آشکارا امنیت ملی و انسجام جمهوری اسلامی را هدف گرفته است. درحالی‌که دولت چهاردهم و تیم دیپلماسی به سرپرستی عراقچی، با تلاش‌های شبانه‌روزی، در مسیر حفظ امنیت و منافع ملی و کاهش تنش‌ها گام برمی‌دارند، چنین مواضع تحریک‌آمیزی از درون ساختارهای رسمی، عملاً در خدمت اهداف دشمنان خارجی عمل می‌کند. نفوذ داخلی و جریانات تفرقه‌افکن با زبان تهدید و افراط‌گرایی، به‌مراتب از ساخت پهبادهای پیشرفته و فناوری نظامی خطرناک‌تر است؛ چراکه آرامش و امنیت ملی را از درون تهدید می‌کند. اکنون زمان آن است که مسئولان با قاطعیت و بدون اغماض با این عناصر برخورد کنند و ضمن برکناری این افراد از سمت‌شان، آنها را ملزم به معذرت‌خواهی از مردم به دلیل هزینه‌هایی که بارها بر کشور تحمیل کرده‌اند، کنند. این برخورد نه‌تنها برای حفظ امنیت، بلکه برای تضمین ثبات و انسجام سیاسی کشور ضروری است.

مهدی بازگان: در پی تجاوز نظامی ۱۲روزه اسرائیل به ایران، پرسش‌های اساسی درباره کیفیت روابط راهبردی ایران با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه چین و روسیه، بار دیگر در کانون توجه قرار گرفته است. این درگیری که موازنه قدرت منطقه‌ای را دگرگون کرده، نیاز ایران به متحدان قابل اتکا برای حفظ تمامیت ارضی و بازسازی توان دفاعی‌اش را بیش از پیش آشکار کرده است.
باین‌حال، گزارش‌های اخیر، از جمله تکذیب سفارت چین در اسرائیل درباره انتقال سامانه‌های موشکی و دیگر جنگ‌افزارها به ایران و اظهارات متناقض مقامات چینی درباره صادرات تسلیحات، نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه و دوپهلوی پکن در حمایت عملی از تهران است. این سیاست که مشابه رفتار روسیه در بزنگاه‌های حساس است، تردیدهایی جدی دربارۀ عمق روابط استراتژیک با ایران ایجاد کرده است.چین، به‌رغم عضویت مشترک با ایران در سازمان‌هایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای و با وجود محکومیت لفظی تجاوزات اسرائیل، از ارائه حمایت نظامی ملموس خودداری می‌کند. این رویکرد که ظاهراً برای اجتناب از رویرویی مستقیم با آمریکا و اسرائیل طراحی شده، نشان‌دهنده اولویت منافع ملی پکن بر تعهدات به شرکای راهبردی است. در مقابل، ایران به عنوان کشوری که حق دارد برای دفاع از تمامیت ارضی خود از هر منبعی تسلیحات لازم را تهیه کند، با چالش‌هایی مواجه است که ریشه در محاسبات پیچیده و خودمحورانه قدرت‌های شرقی دارد. یقیناً سیاست متناقض چین، عدم اعتمادسازی عملی پکن در حمایت از تهران و ضرورت اتخاذ راهبردی مستقل برای ایران در کنار حفظ حق مشروع ایران برای تقویت توان دفاعی‌اش، منظومه پیچیده را طراحی‌کند که مدیریت آن به یک ظرافت و هوشمندی بالای دیپلماتیک نیاز دارد.

روابط بساجتک ایران و چین در بستر واقعات ژئوپلیتیک

روابط ایران و چین در دهه‌های اخیر به دلیل اشتراک منافع در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و عضویت در نهادهایی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس تقویت شده است. توافقات دوجانبه، از جمله قرارداد ۲۵ ساله همکاری‌های جامع، ظاهراً بستری برای همکاری راهبردی فراهم کرده است.
باین‌حال، در بزنگاه‌های حساس، مانند تجاوز ۱۲روزه اسرائیل به ایران، چین رویکردی محتاطانه و غیرتعهدآور اتخاذ کرده است. این رفتار مشابه عملکرد مجلس است که در مواردی مانند بحران سوریه با مذاکرات هسته‌ای، منافع خود را بر تعهد به ایران ترجیح داده است. نمونه بارز این رویکرد چین، اظهارات جنجالی رئیس‌جمهور این کشور درباره جزایر سه‌گانه ایرانی بود که نشان‌دهنده اولویت روابط با کشورهای عربی بر ایران است. این میان روابط بساجتک ایران و چین هم‌حاکمت از یک فضای متفاوت می‌دهد. کمابینه‌که روز سه‌شنبه هفته جاری سفارت چین در اسرائیل، گزارش میدلباست‌ای درباره انتقال سامانه‌های موشکی HQ-9B به ایران را تکذیب و تأکید کرد پکن با صادرات سلاح به کشورهای درگیر جنگ مخالف است. این موضع‌گیری، درحالی‌که با ادعاهای منابع عربی درباره تحویل این سامانه‌ها پس از آتش‌بس ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ در تضاد است، نشان‌دهنده تلاش چین برای حفظ ظاهر بی‌طرفی و اجتناب از تنش با آمریکا و اسرائیل است. این تناقض، پرسش‌هایی درباره میزان تعهد پکن به ایران به عنوان شریک راهبردی ایجاد می‌کند.

تأیید و تکذیب‌های دیپلماتیک وواقعبت‌های میدانی

گزارش‌های منابع عربی مندرج در گزارش میدلبست‌ای حاکی از آن است که ایران پس از آتش‌بس با اسرائیل، سامانه‌های موشکی HQ-9B چین را از طریق تهاوت نفغتی دریافت کرده است. این سامانه، با برد ۱۶۰۰ کیلومتر و توانایی رصد و انهدام هم‌زمان چندین هدف، می‌تواند نقشی کلیدی در بازسازی پدافند هوایی ایران ایفا کند.
باین‌حال، تکذیب رسمی سفارت چین در اسرائیل نشان‌دهنده استراتژی پکن برای کاهش حساسیت‌های بین‌المللی است. این رویکرد که در آن چین از یک سو با ایران همکاری نظامی محدودی دارد و از سوی دیگر، هرگونه حمایت تسلیحاتی را رد می‌کند، نشان‌دهنده محاسبات پیچیده پکن برای حفظ توازن در روابط با قدرت‌های غربی و شرکای منطقه‌ای است.

در مقابل، شاهد ادعاهای متضاد پکن هستیم که بر دامن تناقضات چینی‌ها می‌افزاید. همچنان‌که اظهارات سخنگوی وزارت دفاع چین درباره تمایل به اشتراک تجهیزات با «کشورهای دوست»، بدون اشاره صریح به ایران، این تناقض را تشدید می‌کند. اظهارات این مقام چینی، همراه با نمایش جنگنده‌های J-10C در رزمایش‌ها و مذاکرات احتمالی با ایران، نشان می‌دهد چین در عین گسترش نفوذ تسلیحاتی خود، از تعهدات ملموس به تهران اجتناب می‌کند. این رفتار با رویکرد روسیه در تأخیر یا عدم تحویل جنگنده‌های سوخو-۳۵ به ایران شباهت دارد که تردیدهایی درباره قابلیت اطمینان مسکو ایجاد کرده است.

نیز مبرم تهران به بازسازی توان دفاعی

تجاوز ۱۲روزه اسرائیل به ایران که پدافندهای هوایی این کشور را تا حدودی تضعیف کرد، ضرورت بازسازی توان دفاعی ایران را برجسته کرده است. شبکه پدافند هوایی ایران، شامل سامانه‌های اس-۳۰۰، باور-۳۷۲ و سامانه‌های بومی مانند آرمان و صیاد، در برابر حملات پیچیده اسرائیل آسیب‌پذیر ظاهر شد. این ضعف، به‌ویژه در برابر جنگنده‌های رادارگریز F-35، نیاز ایران به سامانه‌های پیشرفته‌تر مانند HQ-9B و جنگنده‌های مدرن مانند J-10C را آشکار کرد.
باین‌حال، تحلیلگران چینی معتقدند J-10C برای مقابله با نیروی هوایی اسرائیل کافی نیست و ایران باید بر تقویت هرچه بیشتر پدافند هوایی خود تمرکز کند. این تحلیل، اگرچه از منظر فنی شایان تأمل است، اما نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه چین در قبال ایران است. امتناع پکن از انتقال فناوری، مشابه مورد اندونزی و تأکید بر عدم صادرات سلاح به کشورهای درگیر جنگ، محدودیت‌های همکاری نظامی با ایران را نشان می‌دهد. این در حالی است که ایران، به عنوان کشوری تحت فشار تحریم‌ها و حملات نظامی، حق مشروع دارد برای حفظ تمامیت ارضی خود از هر منبعی تسلیحات تهیه کند.

حسابگری چین و روسیه و شرکای غیرقابل اتکا برای تهران

روسیه و چین، به‌رغم ادعاهای روابط راهبردی با ایران، در بزنگاه‌های حساس مانند آنچه در جنگ تحمیلی اخیر گذشت، عملکردی غیرقابل اتکا داشته‌اند. روسیه در مواردی مشخص و انکارنشدنی نظیر تأخیر در تحویل اس-۳۰۰ یا عدم ارسال سوخو-۳۵، به‌روشنی هرچه تمام‌تر ثابت کرده منافع خود را بر نیازهای ایران ترجیح داده است. گمانه‌زنی‌هایی درباره توافق‌های پنهان مسکو با اسرائیل، به‌ویژه پس از تجارب گرجستان و اوکراین و نیز معادلات و معاملات پشت پرده تل‌آویو و کرملین درباره سوریه و مناسبات خاورمیانه و مشخصاً ایران، تردیدها درباره تعهدات روسیه را تقویت کرده است. چین نیز اگرچه به دلیل وابستگی به انرژی خاورمیانه، رویکردی عمل‌گرایانه‌تر دارد، اما از ارائه حمایت نظامی مستقیم به ایران خودداری می‌کند. محکومیت لفظی تجاوزات اسرائیل توسط چین و روسیه در سازمان ملل و بریکس، بدون پشتیبانی عملی، نشان‌دهنده اولویت حفظ روابط با غرب بر حمایت از ایران است. مانورهای مشترک مانند «کمرندۀ امنیت دریایی» در مارس ۲۰۲۵، اگرچه نشانه‌ای از همکاری است، اما تأثیر عملیاتی محدودی داشته و بیشتر جنبه نمایشی دارد. این موضوع، همراه با تکذیب‌های مکرر چین درباره صادرات تسلیحات، نشان می‌دهد پکن، مانند مسکو، در حمایت عملی از ایران محتاط است و از اعتمادسازی ملموس اجتناب می‌کند.

حق مشروع ایران برای دفاع از خود

ایران، به عنوان کشوری که چهار دهه قبل هدف تجاوز رژیم بعث قرار گرفته و اکنون نیز مورد حملات مکرر اسرائیل بوده است، حق دارد توان دفاعی خود را از هر طریقی تقویت کند. اگرچه تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های دسترسی به تسلیحات پیشرفته، به‌ناچار ایران را بر سمت شرکایی مانند چین و روسیه سوق داده است، با این حال، رفتار متناقض این دو کشور نشان می‌دهد که تهران باید راهبردی مستقل و واقع‌بینانه‌تر اتخاذ کند و به دنبال عرضه‌کنندگان دیگر تسلیحاتی باشد. تأیید و تکذیب‌ها درباره خرید سامانه‌های HQ-9B یا مذاکرات برای در اختیار گرفتن جنگنده J-10C، هرچند می‌توانند گام‌هایی مثبت در راستای تقویت توان دفاعی و پدافندی ایران باشند، اما وابستگی به شرکای غیرقابل اتکا یقیناً مخاطراتی به همراه خواهد داشت. بنابراین ایران باید به موازات توسعه توان بومی توان نظامی‌اش، مانند سامانه باور-۳۷۳، و تقویت

گزارشی از سیاست متناقض چین در قبال ایران در برابر تجاوز اسرائیل

چین؛ رفیق نیمه‌راه؟



دیپلماسی منطقه‌ای بر تنوع‌بخشی خریدهای جنگی خود از دیگر کشورها تمرکز کند تا در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی اسرائیل، مقاومت‌تر شود.

سیاست ابهام چین و ملاحظات راهبردی در خاورمیانه

چین، به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی و بازیگری کلیدی در نظم نوین بین‌المللی، در سیاست‌های نظامی، امنیتی و دفاعی خود همواره رویکردی مبهم و چندلایه اتخاذ کرده است. این ابهام راهبردی، که به منظور کاهش حساسیت‌ها و اجتناب از تنش‌های ناخواسته با قدرت‌های غربی و بازیگران منطقه‌ای طراحی شده، در روابط این کشور با ایران به‌ویژه پس از تجاوز ۱۲روزه اسرائیل به خاک ایران در سال ۲۰۲۵ پیش‌ازنیش آشکار شده است. جنگ اخیر، که موازنه سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک خاورمیانه را دستخوش تحولات عمیق کرد، ضرورت بازنگری در تعهدات و سیاست‌های چین در برابر ایران، به عنوان یکی از متحدان کلیدی‌اش در منطقه استراتژیک خاورمیانه را برجسته کرده است.
دراین‌میان چین نه‌تنها باید ملاحظات خود در قبال کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را در نظر گیرد، بلکه باید به پیامدهای بلندمدت بی‌ثباتی در منطقه‌ای که شریان حیاتی انرژی و تجارت جهانی آن است، توجه کند. چین در دکترین دفاعی و امنیتی خود از رویکرد عمدی ابهام بهره می‌گیرد که به عنوان ابزاری برای مدیریت روابط پیچیده با بازیگران جهانی و منطقه‌ای عمل می‌کند. این ابهام، که ریشه در سنت‌های دیپلماتیک و استراتژیک پکن دارد، به این کشور امکان می‌دهد در عین حفظ روابط با شرکای متنوع، از تنش‌های اجتناب کند. در چارچوب روابط با ایران، این سیاست مبهم در تکذیب‌های مکرر پکن درباره صادرات تسلیحات و هم‌زمان حفظ همکاری‌های محدود نظامی، مانند آموزش مشترک دریایی، نمود یافته است. این رویکرد دوگانه، اگرچه از منظر دیپلماتیک به چین اجازه می‌دهد در برابر فشارهای بین‌المللی انعطاف‌پذیر باقی بماند، اما تردیدهایی جدی درباره میزان تعهد این کشور به ایران به عنوان شریک راهبردی ایجاد کرده است. این ابهام راهبردی اگر چه برای چین از منظر حفظ منافع کوتاه‌مدت منطقی به نظر می‌رسد، اما در بلندمدت می‌تواند به تضعیف اعتماد ایران به عنوان یکی از متحدان کلیدی‌اش در منطقه‌ای استراتژیک منجر شود.
دراین‌بین یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری سیاست محتاطانه چین در قبال ایران، روابط گسترده اقتصادی، تجاری و انرژی این کشور با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر است. خاورمیانه، به عنوان شریان اصلی تأمین انرژی چین، امارات متحده عربی و قطر است. خاورمیانه، به عنوان شریان اصلی تأمین انرژی چین،

نقشی حیاتی در اقتصاد این کشور ایفا می‌کند. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، که از نظر اقتصادی و سیاسی بازیگرانی قدرتمند در منطقه هستند، درباره تقویت توان نظامی ایران حساسیت‌های ویژه‌ای دارند. این حساسیت‌ها، که ریشه در رقابت‌های تاریخی و ژئوپلیتیکی این کشورها با ایران دارد، چین را وادار کرده است در تعاملات نظامی خود با تهران رویکردی محافظه‌کارانه اتخاذ کند.

چین، به منظور حفظ و گسترش روابط تجاری و انرژی خود با این کشورها، از اقداماتی که ممکن است به عنوان حمایت آشکار از ایران تفسیر شود، اجتناب می‌ورزد. برای نمونه، اظهارات جنجالی رئیس‌جمهور چین درباره جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس، که با واکنش منفی افکار عمومی ایران مواجه شد، نشان‌دهنده تمایل پکن به اولویت‌بندی روابط با کشورهای عربی بر ایران است. این رویکرد، که در راستای حفظ توازن در روابط منطقه‌ای طراحی شده، نه‌تنها اعتماد ایران به چین را تضعیف کرده، بلکه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا پکن حاضر است به قیمت از دست دادن متحد راهبردی خود در خاورمیانه، به این سیاست محافظه‌کارانه ادامه دهد؟ خاورمیانه، به عنوان مرکز اصلی تأمین انرژی و مسیرهای تجاری کلیدی مانند تنگه هرمز، برای اقتصاد چین حیاتی است. هرگونه تشدید تنش یا بی‌ثباتی در این منطقه، می‌تواند جریان انرژی و تجارت جهانی پکن را مختل کند. ازاین‌رو انتظار می‌رود که چین، به عنوان یک قدرت جهانی و شریک راهبردی ایران، حمایت‌های عملی‌تر و جدی‌تری از تهران به عمل آورد تا از برهم‌خوردن توازن منطقه‌ای جلوگیری کند. این حمایت نه‌تنها به نفع ایران، بلکه در راستای منافع بلندمدت خود چین در حفظ ثبات خاورمیانه است. حال سیاست مبهم چین در قبال ایران این پرسش بنیادین را مطرح می‌کند که آیا پکن حاضر است به قیمت از دست‌دادن یکی از متحدان کلیدی خود در خاورمیانه، یعنی ایران، رضایت کشورهای عربی، اسرائیل و ایالات متحده را جلب کند؟ ایران، با موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد، منابع انرژی غنی و نفوذ منطقه‌ای، برای چین شریکی استراتژیک محسوب می‌شود. با این حال، رویکرد محتاطانه پکن، که در تکذیب‌های مکرر و ارائه‌دادن حمایت نظامی ملموس نمود یافته، نشان‌دهنده اولویت‌بندی روابط با غرب و کشورهای عربی بر ایران است. این رویکرد، اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت از تنش‌های دیپلماتیک با آمریکا و اسرائیل جلوگیری کند، اما در بلندمدت می‌تواند به تضعیف جایگاه چین در خاورمیانه منجر شود. از دست‌دادن ایران به عنوان یک متحد راهبردی، به‌ویژه در شرایطی که موازنه قدرت در منطقه به نفع اسرائیل و متحداش تغییر کرده، می‌تواند نفوذ چین در نهادهایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای را تضعیف کند. علاوه‌براین، بی‌ثباتی ناشی از تشدید تنش‌ها در خاورمیانه می‌تواند مستقیماً منافع اقتصادی و انرژی چین را تهدید کند که این خود ضرورت بازنگری در سیاست‌های پکن را برجسته می‌کند.

بنابراین انتظار از پکن این است که با درک پیامدهای بی‌ثباتی در خاورمیانه، که مستقیماً منافع اقتصادی و استراتژیک آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حمایت‌های عملی‌تر و ملموس‌تری از ایران به عمل آورد. این حمایت می‌تواند شامل همکاری‌های نظامی هدفمند، مانند تأمین سامانه‌های پدافند هوایی پیشرفته یا جنگنده‌های مدرن و تقویت دیپلماسی منطقه‌ای برای کاهش تنش‌ها باشد. در غیراین‌صورت، ادامه سیاست کنونی چین نه‌تنها اعتماد ایران به این کشور را تضعیف خواهد کرد، بلکه می‌تواند جایگاه پکن را به عنوان یک قدرت تأثیرگذار در خاورمیانه به خطر بیندازد. در نهایت، منافع مشترک ایران و چین در حفظ ثبات منطقه‌ای ایجاب می‌کند که پکن از رویکرد محتاطانه خود فاصله گرفته و به سوی همکاری‌های راهبردی عمیق‌تر با تهران حرکت کند. اما در نهایت باید پرسید: «آیا وعده‌های چین مانند اجناسش، تقلبی و به‌درندخور است یا خیر؟».





ما قوی تر از دردهایمان هستیم.

ام اس ناتوانی نیست

کنترل ام اس با تشخیص به موقع و درمان

۰۲۱۶۶۹۵۱۱۸۷-۸
۰۲۱۶۶۹۵۳۹۰۷-۹
www.iranms.org